

الرضا



هوش مصنوعی و دادرسی اساسی

نویسنده:

محمد متین ناطق پور

ناظر علمی

دکتر محمد صادق فراهانی



پژوهشکده شورای نگهبان

زمستان ۱۴۰۴

سرشناسه: ناطق پور، محمدمتین، ۱۳۷۶-

عنوان و نام پدیدآور: هوش مصنوعی و دادرسی اساسی/نویسنده محمدمتین ناطق پور؛ ناظر علمی محمدصادق فراهانی.

مشخصات نشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۳۳۵ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۶۸-۷۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۰۴ - ۳۳۵.

موضوع: هوش مصنوعی -- جنبه‌های حقوقی، Legal aspects -- Artificial intelligence

آیین دادرسی، Procedure Law

شناسه افزوده: فراهانی، محمدصادق، ۱۳۷۲ -

رده بندی کنگره: Q۳۳۵

رده بندی دیویی: ۰۰۶/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۸۹۸۱۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نویسنده:

محمدمتین ناطق پور

ناظر علمی:

دکتر محمدصادق فراهانی

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۶۸-۷۰-۴

نشانی: خیابان شهید بهشتی^(ر)، خیابان سرافراز، کوچه پنجم، پلاک ۱۱

nashr-rc.ir

ccri.ac.ir

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۷۵۰۰۷۰

فهرست مطالب

سخن ناشر ----- ۱

مقدمه ----- ۵

فصل اول: «مبانی، مفاهیم و کلیات» ----- ۱۵

مبحث اول - دادرسی اساسی ----- ۱۷

گفتار اول - معرفت و آگاهی دادرس ----- ۲۰

گفتار دوم - استدلال در دادرسی و منطق حقوق ----- ۳۴

گفتار سوم - دادرسی اساسی در ایران و دولت‌های قانون‌مدار ----- ۴۸

مبحث دوم؛ هوش مصنوعی ----- ۵۶

گفتار اول - هوش مصنوعی و اجزای آن ----- ۶۲

گفتار دوم - حقوق و هوش مصنوعی ----- ۸۱

گفتار سوم - هوش مصنوعی و پردازش زبان طبیعی (NLP) ----- ۹۶

فصل دوم: «هوش مصنوعی و استدلال حقوقی» ----- ۱۰۹

مبحث اول؛ استدلال دانش‌محور (Knowledge-based Reasoning) ----- ۱۱۱

گفتار اول؛ منطق در استدلال حقوقی ----- ۱۲۰

گفتار دوم؛ استدلال در سیستم قاعده‌محور (Rule-based Reasoning) ----- ۱۳۷

گفتار سوم؛ استدلال در سیستم مورد‌محور (Case-based Reasoning) ----- ۱۴۶

گفتار چهارم؛ سیستم‌های خبره و استدلال حقوقی ----- ۱۵۳

۱۵۹	-----	مبحث دوم؛ استدلال داده محور (Data-Driven Reasoning)
۱۶۰	-----	گفتار اول؛ داده حقوقی
۱۶۷	-----	گفتار دوم؛ یادگیری ماشین و استدلال حقوقی
۱۷۵	-----	گفتار سوم؛ معماری‌های مبتنی بر شبکه عصبی
۱۹۰	-----	گفتار چهارم؛ استدلال حقوقی و مدل‌های زبانی بزرگ (LLMs)

۲۱۱	-----	فصل سوم: «هوش مصنوعی و نظارت اساسی در ایران»
۲۱۴	-----	مبحث اول؛ نظارت حقوقی
۲۱۵	-----	گفتار اول؛ هوش مصنوعی و نظارت حقوقی
۲۲۲	---	گفتار دوم؛ شیوه‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظارت حقوقی
۲۴۸	-----	مبحث دوم؛ نظارت شرعی
۲۴۹	-----	گفتار اول؛ هوش مصنوعی و نظارت شرعی
۲۵۳	---	گفتار دوم؛ شیوه‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظارت شرعی
۲۸۲	-----	مبحث سوم؛ بایسته‌ها
۲۸۲	-----	گفتار اول؛ بایسته‌های حقوقی و اخلاقی
۲۹۰	-----	گفتار دوم؛ بایسته‌های فنی و زیرساختی
۳۰۰	-----	نتیجه‌گیری
۳۰۴	-----	فهرست منابع

سخن ناشر

شورای نگهبان، به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت صیانت از شرع مقدس اسلام، اصول قانون اساسی و سلامت فرآیندهای انتخابات را بر عهده دارد. ایفای این مسئولیت در حوزه های تقنین، تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات، جایگاهی بی بدیل به این نهاد در نظام حقوقی کشور بخشیده است. به پشتوانه این جایگاه، تصمیمات و نظرات شورای نگهبان، تأثیرات عمیقی بر حیات حقوقی و سیاسی کشور بر جای می گذارد؛ از همین رو، فهم صحیح و تحلیلی از مبانی، نظرات و عملکرد این شورا، ضرورتی علمی و ملی تلقی می شود.

پژوهشکده شورای نگهبان با هدف تأمین پشتیبانی علمی و پژوهشی این نهاد، فعالیت خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کرده تا وظایفی همچون ارائه

نظرات مشورتی درباره مصوبات مجلس، تبیین مبانی نظری قانون اساسی، مستندسازی نظرات شورا و پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در دو حوزه قانون اساسی و شورای نگهبان را بر عهده گیرد. این پژوهشکده، ضمن تقویت بنیان‌های نظری نظام حقوقی جمهوری اسلامی، تلاش دارد پیوند میان دانش حقوق عمومی و نیازهای نهادهای اساسی نظام را مستحکم سازد.

در امتداد این رسالت، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان مأموریت دارد تا دستاوردهای پژوهشی، گزارش‌های کارشناسی و تألیفات علمی این مجموعه را در قالب آثاری مستند، نظام‌مند و قابل استفاده برای جامعه علمی کشور منتشر کند. این آثار با تمرکز بر موضوعاتی چون قانون اساسی، نظارت تقنینی و شرعی، نظام انتخابات، فقه حکمرانی، حقوق اساسی و مطالعات تطبیقی، پاسخ‌گوی نیازهای استادان، پژوهشگران، دانشجویان و سیاست‌گذاران در حوزه حقوق عمومی است.

انتشارات پژوهشکده، ضمن پایبندی به معیارهای علمی و توجه به دقت حقوقی، بر آن است تا نقشی مؤثر در اعتلای گفتمان قانون اساسی ایفا کند و مرجع تخصصی نشر حقوق اساسی باشد. از نقدهای علمی و پیشنهادهای دلسوزانه شما مخاطبان گرامی استقبال می‌کنیم و ارتقای کیفی آثار خود را مرهون این همراهی می‌دانیم.

شایان ذکر است که اثر پیش‌رو، حاصل اجرای طرح‌های پژوهشی جایگزین خدمت نخبگان نیروهای مسلح است که در پرتو همکاری مشترک پژوهشکده شورای نگهبان، مرکز نخبگان و استعدادهای برتر نیروهای مسلح و بنیاد ملی نخبگان به ثمر نهشته است. این همکاری، تبلور پیوند میان

توان نخبگانی و ظرفیت‌های علمی کشور با رسالت‌های بنیادین نهادهای اساسی نظام است. بدیهی است محتوای این آثار، بیانگر دیدگاه‌ها و یافته‌های پژوهشی مؤلفان بوده و لزوماً منعکس‌کننده مواضع رسمی شورای نگهبان یا پژوهشکده نیست. بی‌تردید، ارتقای سطح علمی و غنای محتوایی این آثار، مرهون همراهی اندیشمندانه داوران علمی، آقایان دکتر محمدصادق فراهانی و آقای محمد مهدی همتی فقیه است که با نقدها، راهنمایی‌ها و حمایت‌های مؤثر خود، در شکل‌گیری و اعتلای این دستاوردها نقش‌آفرینی کرده‌اند.

انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

زمستان ۱۴۰۴

مقدمه

قانون اساسی هر کشور نماد مردم سالاری و ضامن تبعیت حکومت‌ها از خواست و اراده عمومی است. ملت‌ها در قوانین اساسی خود تعیین می‌کنند که اقتدار عمومی در چارچوب چه اصول و قواعدی باید بر جامعه اعمال گردد (Grimm, ۲۰۱۶: ۲۱۵). بدین منظور، قانون اساسی مجموعه‌ای از برترین قواعد و هنجارهای حقوقی جامعه تلقی شده و متضمن کلیه حقوق و تکالیف متقابل دولت و ملت نظیر صلاحیت‌های نهادهای دولتی و حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان است (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۵۴). در چنین شرایطی، بررسی عدم تعارض یا انطباق قواعد مادون با قواعد اساسی اهمیتی دوچندان می‌یابد. در نتیجه، به منظور تضمین برتری قانون اساسی بر سایر قواعد حقوقی و نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی، مفهوم «دادرسی اساسی» شکل گرفت. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان

وظیفه «نظارت بر عدم مغایرت قوانین و مقررات با اصول قانون اساسی و احکام اسلام»، «تفسیر اصول قانون اساسی»، «نظارت بر انتخابات»، «احراز صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری» و «نظارت بر همه پرسی» را برعهده دارد که از این میان، مورد اول و دوم مرتبط با وظایف نظارت اساسی تلقی می‌گردد. مطابق داده‌های ارائه شده در سامانه نظرات شورای نگهبان^۱، این شورا در سال‌های اخیر به تعداد معتنابهی از پرونده‌های ارجاعی رسیدگی نموده که این میزان به مراتب بیشتر از ظرفیت اجرایی این نهاد است.^۲ همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون، اعلام مغایرت مصوبات با برخی از اصول قانون اساسی به‌ندرت صورت گرفته یا اصلاً مغایر شناخته نشده‌اند.^۳ که می‌تواند ناشی از عدم توجه به اصول مزبور یا نوعی خطای ذهنی حین بررسی مواد قانونی مصوب باشد. از طرفی، به‌نظر می‌رسد معیارهای دقیق و

1. <http://nazarat.ceri.ac.ir>

۲. شورا در سال «۱۴۰۲» به ۹۹ پرونده رسیدگی نموده و در مجموع، ۱۴۷ اظهارنظر در ارتباط با مغایرت یا عدم مغایرت قوانین و مقررات با اصول قانون اساسی و موازین شرعی ارائه نموده که هرکدام، شامل تعداد معتنابهی از نظرات پیرامون انطباق مواد قانونی با اصول قانون اساسی و احکام شرعی است. تعداد اظهارنظرها در سال «۱۴۰۱» به میزان ۲۶۱ اظهارنظر در مجموع ۲۱۱ پرونده ملاحظه می‌شود. چنانچه آمار سال «۱۴۰۰» را نیز بر این مینا محاسبه نماییم، ۲۷۷ اظهارنظر به ازای ۲۲۴ پرونده تخمین زده می‌شود که آمار بالایی است. در واقع، چنانچه اعضای محترم شورای نگهبان برای رسیدگی به هر مصوبه (و ارائه هر اظهارنظر) حداقل یک جلسه درنظر داشته باشند، معادل ۹ ماه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و جمعاً ۵ ماه در سال ۱۴۰۲ جلسه برقرار نموده‌اند در حالیکه مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹، تعداد متعارف برگزاری جلسات، دو روز در هفته معادل ۳ ماه در سال است. بررسی عدم مغایرت با برخی اصول نظیر اصل ۷۵ قانون اساسی و واکاوی درآمد و هزینه طرح‌ها، قطعاً زمان بیشتری می‌طلبد که بررسی کامل این اصول، شورای نگهبان را از انجام دقیق سایر تکالیف قانونی باز خواهد داشت.

۳. اصول ۲۳، ۳۱، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۴۲ از «فصل سوم» قانون اساسی ازجمله این مواردند.

عینی جهت اعلام مغایرت با هریک از اصول قانون اساسی یا احکام شرعی احصا نشده یا لاقلاً، در یک سند جامع، جمع آوری نشده است. مضاف بر این، حجم بالای قوانین و مقررات و محدودیت منابع انسانی، عملاً تحقق کامل اصل ۴ را ناممکن ساخته است.

علاوه بر موارد فوق، به کارگیری هوش مصنوعی به جای هوش انسانی نیز از جمله مهم‌ترین چالش‌های موجود در این حوزه است. در برخی موارد مشاهده شده که کاربرست هوش مصنوعی منجر به نقض حق بر دادرسی منصفانه و یا نقض حق مالکیت فکری هنرمندان شده است (مصطفوی اردبیلی و همکاران ۱۴۰۲، ۹۷-۹۶). بدین جهت، نهادهای مختلف بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته، پارلمان اروپا و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) اقدام به وضع مقررات در خصوص به کارگیری هوش مصنوعی و تعیین مسئولیت و راه کارهای جبران خسارت نمودند (همان). اما کماکان، مباحث مختلفی در ارتباط با هوش مصنوعی مطرح است از جمله چالش درک زبانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های موقعیت (مسئله چارچوب^۱)، چالش هوشیاری و توانایی در ترکیب کردن احساسات، موقعیت‌ها و اشیا (مسئله پیوند^۲)، چالش پیش بینی عواقب و آثار اعمال خود (مسئله پیامد^۳)، چالش درک پیش‌نیازهای لازم برای انجام بهینه کارها (مسئله پیش نیاز^۴) و چالش تطابق اهداف و ارزش‌های هوش مصنوعی با

1. Frame problem
2. Binding problem
3. Ramification problem
4. Qualification problem

اهداف و ارزش‌های طراحان آن (مسئله هم‌سویی^۱). چالش‌های یاد شده، به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی اساسی را تحت الشعاع قرار می‌دهند، در نتیجه لازم است پیش از بررسی ابعاد و ظرفیت‌های موجود جهت بهره‌مندی از مزایای فنی هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی، ابتدا به تهدیدها و چالش‌های شناختی این حوزه پرداخته شود.

با عنایت به نقش حیاتی و جایگاه محوری شورای نگهبان در نظام حقوقی ایران، تعدد تکالیف قانونی این شورا و محدودیت منابع موجود، سرعت و بهره‌وری از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این نهاد است که بهره‌مندی از فناوری‌های نو به‌ویژه هوش مصنوعی می‌تواند نقش بسزایی در حل مسائل یاد شده ایفا نماید. بسیاری از نظام‌های توسعه یافته در دنیا پس از انجام مطالعات مختلف و تولید ادبیات علمی لازم در این حوزه، به پیاده‌سازی مدل‌ها و الگوریتم‌ها پرداخته و با تولید ماشین‌های هوش مصنوعی متناسب با نیازهای بومی خود، در حال استفاده آزمایشی (به‌عنوان دستیار) در محاکم دادگستری هستند که البته به نتایج قابل توجهی نیز دست یافته‌اند. «دادرسی اساسی» که می‌تواند نوع خاصی از دادرسی تلقی شود، از موضوعاتی است که تاکنون بدین شکل مورد مطالعه قرار نگرفته است. در این زمینه، هوش مصنوعی می‌تواند در «پیش‌بینی وقوع تعارض میان قوانین، مقررات و آرای قضایی پیش از تصویب و لازم‌الاجرا شدن مصوبات»، «کشف تعارضات در قوانین و مقررات موجود» و «ارائه راه حل در مسائل حقوقی کشور» مؤثر باشد و سرعت و دقت دادرسی اساسی را به نحو چشم‌گیری افزایش دهد.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌تواند نقش عوامل خارجی در تصمیم‌گیری دادرس را به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و به اتقان هرچه بیشتر نظرات شورای نگهبان و ثبات رویه منتهی گردد.

چشم انداز عملی برای هوش مصنوعی در این حوزه می‌تواند چنین باشد که با دارا بودن یک ماشین هوش مصنوعی آموزش دیده و رونمایی از دو نسخه‌ی «حاکمیتی» و «عمومی»، کلیه مقامات دولتی پیش از اتخاذ تصمیم، انعقاد قرارداد یا تصویب مقررات از عدم مغایرت آن‌ها با قواعد حقوقی بالاتر و موازین اسلامی آگاه شده و شهروندان نیز نسبت به رعایت حقوق خود از جانب مقامات اطمینان حاصل نمایند. در این صورت، اصول ۴، ۵۶، ۹۱ و سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری به تحقق کامل نزدیک‌تر خواهند شد. در نتیجه، لازم است ابتدا طی پژوهشی به امکان‌سنجی کاربست هوش مصنوعی در دادرسی اساسی و ظرفیت‌های موجود در نظام حقوقی ایران پرداخته و الزامات و بایسته‌های آن مورد مذاقه قرار گیرد. لازم به ذکر است، در این پژوهش صرفاً به کارویژه شورای نگهبان که همان دادرسی اساسی (به بیان بهتر، نظارت اساسی) است پرداخته شده و مطلق دادرسی صرفاً در مدخل بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره به‌کارگیری هوش مصنوعی در امور قضایی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در ایران، اغلب مطالعات جنبه‌های مفهومی و فلسفی این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ از جمله، آثار ابوذری (۱۴۰۲)، ابوالقاسمی (۱۴۰۲)، مصطفوی اردبیلی و همکاران (۱۴۰۱). یک مقاله پژوهشی از سلمان‌پور و طالبی (۱۴۰۲)، استفاده از هوش

مصنوعی در امر اجتهاد را بررسی کرده و نهایتاً آن را به عنوان ابزار کمکی در جهت تسهیل و بهبود فرآیند اجتهاد فقهی قابل استفاده می‌داند.

در منابع بین‌المللی، تمرکز مطالعات بر امکان‌سنجی استفاده از هوش مصنوعی در فرآیندهای قضایی، حقوق بشری، اخلاق حرفه‌ای، و تأثیر الگوریتم‌ها بر دادرسی منصفانه بوده است. موسسه تنسنت^۱ (۲۰۲۱)، آیدید و آلاری^۲ (۲۰۲۳)، دیکین^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، ساسکایند^۴ (۲۰۱۹) و پستما^۵ (۲۰۲۲) در آثار خود به امکان سنجی حکمرانی هوش مصنوعی، به‌کارگیری آن در حقوق و الزامات اخلاقی و پیش‌نیازهای آن پرداخته‌اند. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۶ (۲۰۱۹) در بخشی از کتاب *L'intelligence artificielle dans la société* به کاربرد هوش مصنوعی در پیش‌بینی و ارزیابی ریسک^۷ بزه‌کاری در پرونده‌های جنایی در کشورهای آمریکا و بریتانیا و همچنین، موفقیت برخی الگوریتم‌های توسعه یافته در پیش‌بینی آرای صادره در دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان عالی آمریکا اشاره نمود (OECD, ۲۰۱۹: ۷۳-۷۶). در تحقیقات متعددی از جمله آثار فارست^۸ (۲۰۲۱)، تینگ پنگ^۹

1. Tencent Research Institute

2. Abdi Aidid and Benjamin Alarie

3. Simon Deakin

4. Richard Susskind

5. Gerald J. Postema

6. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

7. d'évaluation des risques (Risk assessment)

8. Katherine Forrest

9. Yi-Ting Peng

و هم‌کاران (۲۰۲۴) و پیکات-ریوولیه و رابین^۱ (۲۰۲۳) به تحلیل عملکرد الگوریتم‌ها و معماری‌های مختلف هوش مصنوعی در پیش‌بینی نتیجه دعاوی در کشورهای مختلف پرداخته شد.

اما در ارتباط با تحقیقاتی که مستقیماً با دادرسی اساسی مرتبط باشند می‌توان به مجموعه مقالات Constitutional Challenges in the Algorithmic Society اثر میکلیتز^۲ و همکاران (۲۰۲۲) اشاره کرد که در فصول ابتدایی این کتاب به جایگاه حقوق بنیادین در پردازش الگوریتمی و تأثیر ابزارهای نوین در تحقق دادرسی منصفانه و سیاست‌گذاری دولت‌ها پرداخته‌اند. تانادی و سیاهان^۳ (۲۰۲۳) در مقاله خود به امکان به‌کارگیری هوش مصنوعی در دادگاه قانون اساسی اندونزی و الزامات آن پرداختند. هم‌چنین، کاتیال^۴ (۲۰۲۲) در بخشی از پژوهش خود به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند بازنگری قضایی^۵ توجه نمود. آلتراز و همکاران (۲۰۱۶) نیز به منظور پیش‌بینی نتیجه دعاوی در دیوان اروپایی حقوق بشر موفق به طراحی الگوریتمی شدند که به طور میانگین در ۷۹ درصد پرونده‌های ارائه شده، نتیجه را از حیث نقض یا عدم نقض موادی از کنوانسیون به درستی پیش‌بینی می‌نمود. در ارتباط با متون فارسی نیز فراهانی و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی بر روی پردازش مجموعه

1. Laurence Pécaut–Rivoliier et Stéphane Robin

2. Hans–W. Micklitz

3. Vicko Taniady and Steven Theonald Siahaan

4. Sonia K. Katyal

5. Judicial Review

داده‌های^۱ مختلف پارسی با کمک ترنسفورمر ParsBERT انجام داده و به امتیاز بالای ۹۰ درصد دست یافتند.

درواقع، عمده پژوهش‌های این حوزه بر این موضوع تاکید دارند که چگونه می‌تواند ماشین هوش مند را وادار نمود که پاسخ‌هایی با در نظر گرفتن اصول و ارزش‌های بنیادین و عدم مغایرت با آن‌ها ارائه کند. اما در حوزه دادرسی اساسی به‌ویژه در منابع داخلی، فقدان یک پژوهش جامع که ابعاد نظری و عملی به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی اساسی را مورد بررسی قرار دهد، احساس می‌شود. امروزه جامعه حقوقی در برخورد با هوش مصنوعی با سوالاتی مواجه است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- هوش مصنوعی تاکنون به چه صورت در فرآیند دادرسی مورد استفاده قرار گرفته و چه نتایجی به دنبال داشته است؟
- ۲- آیا امکان استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان دادرس اساسی به‌صورت مستقل یا به‌عنوان دستیار وجود دارد؟
- ۳- پیش‌نیازهای استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی اساسی کدامند؟

اثر حاضر در پی آن است تا با مطالعه بنیادین بر مفهوم دادرسی و هوش مصنوعی، ضمن امکان‌سنجی به‌کارگیری هوش مصنوعی در این فرآیند، کارکرد عملی ابزارهای موجود را بررسی نموده و سناریوهای پیش‌رو در

توسعه این ابزارها در ایران را تحلیل نماید. بدین منظور، در فصل اول با عنوان «مبانی، مفاهیم و کلیات» به مفهوم «دادرسی اساسی» و «هوش مصنوعی» پرداخته، اقسام آن را تشریح نموده و شیوه‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظام قضایی برخی کشورها را بررسی می‌کنیم. در فصل دوم با عنوان «هوش مصنوعی و استدلال حقوقی» به بیان بایسته‌های حقوقی مرتبط با انطباق حکم و موضوع در هوش مصنوعی، انواع الگوریتم‌های پردازش متون حقوقی و شیوه‌های استدلال پرداخته و آخرین دستاوردهای علمی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. فصل سوم با عنوان «هوش مصنوعی و دادرسی اساسی در ایران» محل بحث درباره‌ی ظرفیت‌های کاربست هوش مصنوعی در نظارت حقوقی و شرعی باتوجه به ابزارهای موجود و بیان الزامات آن است. امید آن است که اثر حاضر، افق‌های جدیدی را در این حوزه مطالعاتی در ایران گشوده و مورد استفاده جامعه حقوقی و فنی کشور قرار گیرد.